

جانور عجیبی که زمین و املاک مردم را می خورد!

۳۰ تیر ۱۴۰۰ ساعت ۱۲:۰۳

روزنامه لوموند فرانسه در یکی از خبرهای خود که در سال ۱۳۱۳ منتشر شد، در مطلبی اختصاصی به موضوع زمین‌های رضاشاه پرداخته و آورده بود: "در ایران جانور عجیبی پیدا شده که مثل شته عمل می‌کند، با این تفاوت که شته برگ درختان را می‌خورد؛ ولی این جانور تاجدار زمین خوار است و هرچه قدر هم املاک مردم را می‌خورد، باز هم سیر نمی‌شود." انتشار این خبر برای رضاشاه بسیار سنگین بود...

رضاشاه در طول سلطنت خود، اموال زیادی را غارت و تصاحب کرد. او علاوه بر ثروت‌اندوزی مالی، املاک زیادی را به تصرف خود درآورد. بخش مهمی از املاک، جز مرغوبترین املاک شمال بودند که به بهانه جلوگیری از نفوذ کمونیسم صادره گشتند. بخش دیگری از زمین‌ها نیز از راه خشونت و فشار بر مالکان بزرگ ضبط گردید. رضاشاه از شیوه‌های ظاهراً قانونی همچون قانون ثبت اسناد نیز برای ملک‌خواری بهره برد. زمین‌خواری رضاشاه تا جایی پیش رفت که او را به بزرگترین زمیندار ایران تبدیل کرد. با این مقدمه به تشریح بیشتر این موضوع پرداخته می‌شود.

شیوه‌های رضاشاه در زمین‌خواری

رضاشاه حرص و ولع زیادی به جمع‌آوری ثروت داشت. بخشی از ثروت او را اموال غیرقابل منقول همچون املاک و زمین‌های مرغوب تشکیل می‌داد. او این زمین‌ها را به روش‌های مختلف به دست آورد. یکی از روش‌های مهم او فشار بر مالکان بزرگ و به کارگیری زور بود. او با زور و قلدری املاک مردم را در مقابل بهای اندکی تملک می‌کرد. رضاشاه مقادیری از ثروت خود را با شرکت کشتیرانی هندرسون سرمایه‌گذاری کرده بود و «از سهامداران اصلی» آن بود. سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف نیز یک روش دیگر برای تصاحب املاک بود.

هافمن فیلیپ وزیر مختار آمریکا در ایران در ۱۲ نوامبر ۱۹۲۷ می‌نویسد: گمان می‌رود که شاه املاک بسیار زیادی را در مجاورت پروژه احداث خط آهن در منطقه مازندران تصاحب کرده است... رضاشاه با ادعای برقراری امنیت در کشور نیز به زمین‌خواری پرداخت. به عنوان مثال او بسیاری از زمین‌های مرغوب شمال را از آن خود کرد تا ظاهراً از این طریق کنترل خود بر آن نواحی را بیشتر کند و مانع از نفوذ کمونیسم گردد. در سایر شهرهای کشور نیز، زمین‌های زیادی با بهانه جلوگیری از نفوذ دشمنان، به تصرف رضاشاه درآمد.

قانون ثبت اسناد و املاک شیوه دیگر رضاشاه در زمین‌خواری بود. بر این اساس، برخی از املاک با قیمت پایین‌تر از قیمت واقعی آنها ثبت می‌شدند و سپس مالکان به فروش زمین خود به شاه ترغیب می‌گشتند. رضاشاه نیز به راحتی زمین‌ها را با مبلغی بسیار

اندک از آن خود می‌کرد. در واقع دلیل اینکه وی به «پایان دادن به گفتگوهای اصلاحات ارضی، انتقال بار مالیات کشاورزی از دوش زمین‌داران به دوش دهقانان و تشویق زمین‌داران مناطق به ثبت زمین‌ها به نام خودشان از طریق اداره ثبت املاک در راستای منابع به طبقه زمیندار عمل می‌کرد.»^۳ این بود که خودش بزرگترین مالک کشور شده بود.

اسکان عشایر یا سیاست یکجانشینی نیز راه دیگر رضاشاه در به دست آوردن زمین‌های بیشتر بود. او بعد از سرکوب سران ایلات و عشایر زمین‌های زیادی را در مناطق مختلف به زور مصادره و از آن خود کرد. رضاشاه همچنین بعد از ازدواج با همسر سومش که شاهزاده قاجاری بود نیز بر وسعت زمین‌های خود افزود. او حساب و کتاب تمام زمین‌های خود را داشت و همیشه به آنها سرکشی می‌کرد. در مجموع این اقدامات باعث شد تا رضاشاه تا پایان سلطنت خود به بزرگترین زمیندار ایران تبدیل شود.

املاک رضاشاه چقدر بود؟

آمارها در رابطه با میزان دارایی‌های رضاشاه و املاک او کاملاً ضدونقیض است اما آنچه که هست بر وسعت بالای این املاک دلالت دارد. در یکی از منابع آمده است «در طول بیست سالی که رضاخان دیکتاتور ایران بود، نواحی وسیعی از کشور را که شامل ۷۰۰۰ روستا، آبادی، و مرتع می‌شد به تملک شخص خود درآورد. طبق نقشه‌ای که سفارت آمریکا در سال ۱۹۵۴ برای نمایش پراکندگی «املاک پهلوی» و بررسی فروش آنها از سال ۱۹۵۲ به بعد تهیه کرد، رضا شاه نواحی وسیعی از شمال و غرب کشور (عملاً همه لرستان و بخش اعظمی از شمال خوزستان) را به تملک خود درآورده بود که متعاقباً به پسرش رسید.»^۴

برخی وجود این آمارها را رد کرده و آن را بیش از حد اغراق‌آمیز خوانده‌اند؛ اما جالب است که در آن زمان بسیاری از روزنامه‌های خارجی نیز به این موضوع پرداخته و رضاشاه را به عنوان یکی از زمین‌داران بزرگ معرفی کردند. به عنوان نمونه روزنامه لوموند فرانسه در یکی از خبرهای خود که در سال ۱۳۱۳ منتشر شد، در مطلبی اختصاصی به موضوع زمین‌های رضاشاه پرداخته و آورده بود: "در ایران جانور عجیبی پیدا شده که مثل شته عمل می‌کند، با این تفاوت که شته برگ درختان را می‌خورد؛ ولی این جانور تاجدار زمین‌خوار است و هرچه قدر هم املاک مردم را می‌خورد، باز هم سیر نمی‌شود." انتشار این خبر برای رضاشاه بسیار سنگین بود، تا جایی که از شدت خشم بسیاری از افراد را سرزنش و مجازات نمود. او با وارد کردن اتهاماتی به فیروز فیروز، او را عامل انتقال این خبرها به فرانسه دانست و در نهایت نیز با همین اتهام دستور قتل فیروز را صادر کرد.

البته برخی معتقدند دارایی‌های رضاشاه در املاک به حدی زیاد بود که نظیرش در آسیا نیز وجود نداشت و یا کم بود. جان گونتر، نویسنده و پژوهشگر مسائل ایران نیز در یکی از کتاب‌های خود به این موضوع اشاره کرده و آورده: «می‌گویند شاه بزرگترین ملاک آسیاست، البته احتمالاً بعد از امپراتور ژاپن. در سرتاسر ایران املاک وسیعی دارد که آنها را عمدتاً از صاحبان‌شان مصادره کرده است. ... از عجایب اینکه اعلیحضرت همایونی تنها پادشاه این عالم هستند که به هتل‌داری اشتغال دارند. امور سیر و سیاحت در ایران در انحصار دولت است و اکثر هتل‌ها، علی‌الخصوص هتل‌های حاشیه دریای خزر، به شخص شاه تعلق دارد.»^۵ بسیاری از زمین‌هایی که شاه در آنها به ساخت و ساز پرداخت نیز به عنوان املاک متعلق به او و خانواده‌اش ثبت شد.

سخن نهایی

بسیاری از مستبدان و دیکتاتورها، مملکت را ارث پدری خود می‌دانند و از آن به شکل دلخواه خود استفاده می‌کنند. معمولاً مستبدان اشتباهی سیری‌ناپذیری در تصرف اموال و املاک خصوصی و عمومی دارند و از هر بهانه‌ای برای تاراج اموال عمومی

استفاده می‌کنند. زمین‌خواری رضاشاه نیز در قالب این موضوع قابل تحلیل است. او خود را وارث حقیقی کشور می‌دانست و از این طریق ثروت زیادی به در زمینه املاک از آن خود کرد. بسیاری از این املاک بعد از تبعید او از طریق مجلس به صاحبان اصلی آنها بازگردانده شد و البته بخشی هم به شاه جدید منتقل شد.

فهرست منابع

۱. موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، سقوط: مجموعه مقالات نخستین همایش بررسی علل فروپاشی سلطنت پهلوی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴، ص ۳۵۱.
۲. محمدقلی مجد، از قاجار به پهلوی ۱۲۹۸-۱۳۰۹ بر اساس اسناد وزارت خارجه آمریکا، مترجمین سیدرضا مرزانی، مصطفی امیری، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۹، ص ۵۰۵.
۳. سایت پژوه، برگرفته از مقاله «املاک رضاخان»، تاریخ بازیابی ۱۳۹۵/۶/۱۳.
۴. محمدقلی مجد، رضاشاه و بریتانیا بر اساس اسناد وزارت خارجه آمریکا، مترجم مصطفی امیری، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۹، ص ۶۴.
۵. محمدقلی مجد، رضاشاه و بریتانیا بر اساس اسناد وزارت خارجه آمریکا، مترجم مصطفی امیری، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۹، ص ۴۶.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/48429/خورد-می-مردم-املاک-زمین-عجیب-جانور>